

**An Analysis and Critique of the Translation of
'Al-Sharia Al-Arabiya'
with a Contrastive Criticism Approach to the Translation**

Aliasghar Shahbazi*

Abstract

Al-Sharia Al-Arabiya, a book written by Adonis, is one of his works dealing with critique, published almost thirty years ago. Despite its small size, the book encompasses integrated information about the nature of Arabic poetry and its evolution through history. The author meticulously explores Arabic poetry and discusses its foundations from the perspective of ancient critics and orators. The four chapters of the book include subjects on origins of Arabic poetry, identity of rhythm and music of poetry, analysis of aesthetic issues and their connection with Qur'anic research, and struggle between tradition and modernity. The Persian version of the book, published under the title 'Boutigha-ye Arabi', is one of the most recent works by Adonis translated into Persian. The book is translated by Amir Abu Sassani and Omid Pourhassan by Amir Kabir Publications in 2018. The analysis of the translation of the book shows that despite some grammatical errors and inaccuracies in choosing equivalents, the translators have provided a proper translation, transmitting the message and the content fluently and expressively. Adding diacritical marks to the Qur'anic verses as well as lines and words in the poems and including a list of sources and indexes in the final part of the translation are the advantages of the book. However, with respect to the translation, inconsistency in using equivalents, collocational clashes, and improper omissions at the word level are some of the weak points.

Keywords: Arabic Poetry, Arabic Poems, Adonis, Contrastive Criticism

* Assistant Professor, Arabic Language and Literature Department, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran, shahbazi@hum.ikiu.ac.ir

Date received: 26/10/2020, Date of acceptance: 03/04/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ارزیابی برگردان کتاب الشعرية العربية با رویکرد نقد مقابله‌ای ترجمه

علی اصغر شهبازی*

چکیده

کتاب *الشعرية العربية* ادونیس در زمره آثار نقدی اوست که از تاریخ نشر آن قریب به سی سال می‌گذرد. این اثر با وجود حجم اندک، مطالبی بیکارچه پیرامون سیر تحول شعر عربی در گذر تاریخ دارد. نویسنده در چهار فصل، با نگاهی موشکافانه، پیدایش شعر عربی را می‌کاود و از منظر ناقدان قدیم، مبانی زیباشناختی آن را مورد تحلیل قرار می‌دهد. این کتاب، از جمله تازه‌ترین آثار ترجمه شده ادونیس به فارسی است که به قلم حسین ابویسانی و امید پورحسن با عنوان *بوطیقای عربی* در سال ۱۳۹۷ش به چاپ رسید. بررسی و تحلیل متن عربی با برگردان فارسی این اثر با رویکرد نقد تقابلی ترجمه، بیان‌گر این است که با وجود برخی لغزش‌ها در واژه‌گزینی و سهوهای دستوری، مترجمان در انتقال پیام و مضمون عبارات، برگردان ارزنده‌ای ارائه داده‌اند که روان و رسا جلوه می‌نماید. اعراب‌گذاری آیات و ابیات عربی، تنظیم فهرست منابع و افزودن نمایه در بخش پایانی کتاب، از ویژگی‌های مثبت این ترجمه به شمار می‌آید؛ اما در بخش محتوای ترجمه، عدم یکسان‌سازی برگردان اصطلاحات ادبی، عدم تناسب برخی معادل‌ها با عناصر همنشین، خطا در واژه‌گزینی و حذف‌های نابه‌جا، از آسیب‌های اصلی ترجمه مذکور است که رفع آن در چاپ‌های بعدی بر غنای این ترجمه خواهد افزود.

کلیدواژه‌ها: *الشعرية العربية*، *بوطیقای عربی*، ادونیس، نقد مقابله‌ای ترجمه.

* استادیار زبان و ادبیات عربی، عضو هیأت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران،

shahbazi@hum.ikiu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۴

۱. مقدمه

بی‌گمان، ترجمه در کنار آثار مثبتی چون به کار انداختن قوه خلاقیت زبانی، کوشش در یافتن واژه‌ها و شیوه‌های بیانی تازه، گاه در فراز و فرود لغزش‌های زبانی قرار می‌گیرد که این مسأله، اغلب خود را در قالب ساختارهای کم‌بینه زبانی، گرت‌برداری‌های دستوری و اقتباس عناصر قاموسی بیگانه و مانند آن، نشان می‌دهد. یکی از رویکردهای اصیل در عرصه ارزیابی این پیامدهای مثبت یا منفی زبانی، رویکرد نقد مقابله‌ای ترجمه (contrastive criticism) است که منتقد با مقابله دو متن اصلی و ترجمه شده، به بررسی هم‌ارزی دو متن می‌پردازد (خزاعی‌فرید، ۱۳۹۳: ۸۰). محور ارزیابی در این رویکرد، اغلب مبتنی بر بررسی واژگان، ساختار، معنای کلام، گونه‌های زبانی، تأثیر ادراکی و ادبی است که نباید به طور منتزع از هم مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا این عوامل برای آفرینش یک متن به طور جمعی تشریک مساعی می‌کنند (لطفی‌پور ساعدی ۱۳۷۱: ۷۹). تحلیل مقابله‌ای، اغلب جدا از مطالعه‌ی ترجمه پنداشته می‌شود؛ اما در واقع، مرزی دقیق میان این دو وجود ندارد و انگیزه اصلی در هر یک، تعیین کیفیت ترجمه است. اما از آنجا که کیفیت مفهومی نسبی است، ارزشیابی نیز، با توجه به اهداف آن و بافتی که در آن انجام می‌گیرد، بر معیارهای نسبی استوار است؛ از همین رو، در این زمینه الگوهای نقدی و رویکردهای ارزیابی متنوعی مطرح گشته است (پالامبو، ۱۳۹۰: ۷-۸) تا اصالت زبان‌ها و الگوهای دستوری آن‌ها در فرآیند ترجمه، از آسیب‌های احتمالی و آثار منفی به دور ماند. این مهم در سال‌های اخیر در حوزه‌ای مستقل به نام «مطالعات ترجمه» (Translation Studies) مطرح بوده و پیوسته معرفی و تعیین کیفیت (quality) ترجمه آثار در قالب‌های مختلف خود مورد اهتمام قرار گرفته است.

در پژوهش پیش‌رو، ترجمه کتاب الشعریه العربیه با عنوان «بوطیقای عربی» با تکیه بر رویکرد نقد مقابله‌ای ترجمه بررسی گردید. این ترجمه در زمره جدیدترین برگردان آثار ادونیس در ایران به شمار می‌آید که به قلم حسین ابویسانی و امید پورحسن در سال ۱۳۹۷ روانه بازار شد. در باب اهمیت این اثر و برگردان آن باید گفت که مؤلف آن از تأثیر‌گذارترین ادبا بر جریان شعر و نقد معاصر عرب به شمار می‌آید، و «سهم وی در تاریخ ادب عربی به عنوان یک ناقد هوشیار و یک شاعر نوسخن، سهم قابل ملاحظه‌ای است» (شفیعی کدکنی ۱۳۸۷: ۲۰۷). این اثر دیدگاه‌های مهم ادونیس را در باب پیدایش شعر عربی و سیر تحول آن به نمایش می‌گذارد و به نوعی در امتداد بحث‌های کتاب الثابت و المتحول

اوست. نگاه جامع نویسنده و سیر منطقی مباحث و تحلیل‌های ارائه شده در باب شعر و ارتباط آن با دیگر عناصر برجسته، چون موسیقی، محیط و فرهنگ، به این اثر ویژگی فرازبانی بخشیده و آن را از محدوده زبان عربی خارج ساخته است. از این منظر، پاره‌ای از مطالب این کتاب را در شناخت زبان و فرهنگ ایرانی نیز می‌توان مؤثر پنداشت. مسأله‌ای که مترجمان در مقدمه برگردان این اثر هم به آن اشاره داشته‌اند؛

برخی از سخنان [ادونیس] درباره فرهنگ ایرانی نیز مصداق دارد... اینکه به مخاطب ایرانی نشان دهند که یک شاعر و روشنفکر عربی، چه می‌بیند، چه می‌گوید، به دنبال چیست و دست روی چه مسائلی می‌گذارد. هدف دیگر این‌بود که حضور این کتاب در زبان فارسی ضروری می‌نمود، زیرا مباحث مطرح‌شده در آن برای فهم فرهنگ خودی مفید به نظر می‌رسید (ادونیس ۱۳۹۷: ۸).

با توجه به این مهم، ارزیابی کیفیت ترجمه این اثر نیز روشن می‌شود؛ چرا که انتقال درست دیدگاه‌های این ادیب بزرگ به دلیل اهمیت جایگاه وی از رهگذر ترجمه، موجبات آشنایی هرچه بهتر با اندیشه وی می‌شود و در کنار دیگر آثار ترجمه شده وی، مجموعه‌ای کامل از آثار او برای علاقمندان و دانشجویان فراهم می‌گردد. با توجه به مطالب ذکر شده، پژوهش نقدی حاضر در تلاش است در راستای ارزیابی ترجمه کتاب مذکور، به دو سؤال ذیل پاسخی مناسب ارائه دهد:

الف) برجسته‌ترین ویژگی‌های ترجمه کتاب *الشعرية العربية* در چارچوب نقد تقابلی ترجمه کدامند؟

ب) ترجمه کتاب *الشعرية العربية* از منظر شکلی و محتوا چه امتیازها و ایرادهایی دارد؟

۲. پیشینه پژوهش

با توجه به اهمیت جایگاه ادونیس در ادب عربی، در سال‌های اخیر ترجمه آثار او به فارسی رشد فزاینده‌ای داشته است. در این میان، پژوهشگرانی هم با نگاه انتقادی به ارزیابی کیفیت برگردان آثار او اهتمام داشته‌اند. برای نمونه قنديل‌زاده (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «دلالت‌های بی‌دلیل، تبدیل‌های بی‌بديل» به بررسی و نقد ترجمه کتاب *الثابت و المتحول* به قلم حبیب‌الله عباسی پرداخته است. گرجامی (۱۳۹۵) هم در پژوهشی با عنوان «سیالیت

نشانه‌های ادبی در ترجمه متن شعری (موردپژوهانه ترجمه دیوان اغانی مهیار الدمشقی ادونیس)» نگاه انتقادی به برگردان این مجموعه شعر دارد.

با وجود اهمیت کتاب *الشعرية العربية* و ترجمه آن، ارزیابی تقابلی برگردان این اثر در هیچ پژوهشی انجام نیافته است. دو فصل اول کتاب برای بار نخست به قلم کاظم برگ‌نیسی، در سال ۱۳۷۶ ترجمه شد و در بخش پایانی برگردان کتاب *مقدمة للشعر العربي* (پیش‌درآمدی بر شعر عربی) ادونیس، منتشر گشت. در سال ۱۳۹۵ نیز پایان‌نامه‌ای در مقطع کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی دیدگاه‌های نقدی ادونیس از رهگذر ترجمه *الشعرية العربية*» به قلم کبری ترکاشوند، نگاشته شد که در آن پژوهشگر ضمن بررسی دیدگاه‌های نقدی ادونیس، به ترجمه این اثر همت گماشت. اما ترجمه نخست به دلیل کامل نبودن و پژوهش دوم نیز به دلیل عدم پختگی نثر ترجمه و داشتن ضعف‌های متعدد، با ترجمه مورد بررسی در این پژوهش، قابل مقایسه نیستند.

با توجه به این پیشینه، در پژوهش پیش‌رو تلاش گردید پس از مطالعه کامل *بوطیقای عربی* و مقابله آن با متن عربی اثر، کیفیت ترجمه عرضه شده ارزیابی گردد.

۳. معرفی ادونیس و ترجمه آثار او به فارسی

علی احمد سعید که نام مستعارش برگرفته از نام الهه باروری فینیقی‌های باستان است، در سال ۱۹۳۰م در لاذقیه (سوریه) متولد شد. زندگی او با خواندن قصیده‌ای در مقابل رئیس جمهور این کشور، دگرگون شد و به دستور وی تحصیلات رسمی را در مدرسه فرانسوی آغاز کرد تا این‌که در رشته فلسفه از دانشگاه دمشق دانش‌آموخته گردید و این در زمانی بود که مردم سوری در فقر، بیماری و بی‌سوادی گسترده به سر می‌بردند (خیر ۲۰۱۰: ۶-۷). وی از سال ۱۹۴۸م نام خود را به ادونیس تغییر داد تا به اعتراف برخی با این تغییر نام از سنت‌های تقلیدی عرب دوری گزیند (بوهرور ۲۰۰۷: ۳۵۰).

ادونیس با حضور فعال در عرصه نقد و مشارکت در انتشار مجله «شعر» در کنار ادبایی چون یوسف الخال و خلیل حاوی، و حرکت در مسیر نوگرایی، تأثیری عمیق در تحوّل شعر عربی بنیان نهاد و به پیشوای مدرنیسم عربی شهره گشت (یسوعی و روبرت ۱۹۹۶: ۱۶۱). به تعبیر شفیعی کدکنی در کتاب شعر معاصر عرب «اگر طه حسین را در نسل قدیم ادیبان عرب، نویسنده‌ترین ناقد و ادیب به شمار آوریم، ادونیس را در میان ادیبان نسل بعد

از جنگ جهانی دوم، باید فرد اکمل و هوشیارترین ناقد به شمار آورد» (شفیعی کدکنی ۱۳۸۷: ۲۰۵-۲۰۶).

آثار ادونیس را می‌توان در دو بخش کلی اشعار و نقد جای داد. در بخش سروده‌ها از وی دیوان‌هایی چون: *قصائد أولی، أوراق فی ریح، أغانی مهبیار الدمشقی، المسرح والمرایا، قالت الأرض،* به نشر رسیده است و کتاب‌هایی چون *زمن الشعر، الثابت والمتحول، الشعرية العربية، النص القرآنی وآفاق الكتابة، الصوفية وسوريالية و مقدمة للشعر العربي،* از برجسته‌ترین آثار نقدی وی به شمار می‌آیند.

توجه به برگردان آثار مذکور به فارسی از دهه هفتاد شمسی آغاز شد و در سال‌های اخیر مترجمان و پژوهشگران زیادی به تحقیق و ترجمه آثار وی پرداخته‌اند که در ذیل فهرستی از این ترجمه‌ها به ترتیب تاریخی ذکر شده است:

- *مقدمة للشعر العربي (پیش درآمدی بر شعر عربی)*، مترجم: کاظم برگ‌نیسی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۶.
- *أغانی مهبیار الدمشقی (ترانه‌های مهبیار دمشقی)*، مترجم: کاظم برگ‌نیسی، نشر کارنامه، ۱۳۷۷.
- *أوراق فی الریح (برگ‌ها در باد)*، مترجم: حیدر شجاعی، تهران: دادار، ۱۳۸۵.
- *لمس الضوء (لمس کردن روشنایی)*، مترجم: حمید کریم‌خانی، تهران: آهنگ دیگر، ۱۳۸۵.
- *هذا هو اسمی (این است نام من)*، مترجم: حیدر شجاعی، تهران: فهرست، ۱۳۸۸.
- *النص القرآنی وآفاق الكتابة (متن قرآنی و آفاق نگارش)*، مترجم: حبیب‌الله عباسی؛ نشر سخن، ۱۳۸۸.
- *الصوفية والسوريالية (تصوف و سوررئالیسم)*، مترجم: حبیب‌الله عباسی، تهران: سخن، ۱۳۸۸.
- *تنبأ أيها الأعمى (پیشگویی کن ای نابینا)*، مترجم: حمزه کوتی، تهران: افراز، ۱۳۸۹.
- *الثابت والمتحول، بحث فی الإبداع والإتباع عند العرب (سنت و تجدد یا ثابت و متحول؛ پژوهشی در نوآوری و سنت عرب)*، مترجم: حبیب‌الله عباسی، تهران: سخن، ۱۳۹۰.

- لیس الماء وحده جوابا عن العطش، (آب به تنهایی پاسخ تشنگی نیست)، مترجم: حبیب الله عباسی، تهران: حکایت قلم نوین، ۱۳۹۴.
- أوراق فی الريح (برگ‌هایی در باد)، مترجم: محبوبه افشاری، تهران: نیماژ، ۱۳۹۵.
- الكتاب أمس المكان الآن (الكتاب گذشته مکان اکنون)، مترجم: امیرحسین الهیاری، تهران: مولی، ۱۳۹۶.
- أول الجسد آخر البحر (از پیکر تا دریا)، مترجم: اصغر علی‌کرمی، تهران: نشر نزدیک‌تر، ۱۳۹۶.

چنان‌که ملاحظه می‌شود ترجمه آثار ادونیس به فارسی بی‌وقفه در سه دهه اخیر انجام یافته‌است و این در کنار نگارش ده‌ها آثار پژوهشی در قالب پایان‌نامه و مقاله است که به طور خاص اشعار و اندیشه این ادیب نامی را مورد واکاوی قرار می‌دهد. در این میان برخی از مترجمان نیز با گزینش و ترجمه قطعه‌های مشهور این شاعر، آثاری را منتشر کرده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به ترجمه‌هایی چون: و عشق به من می‌گوید (عاشقانه‌های ادونیس) به قلم موسی بیدج، ستاره‌ها در دست (گزیده‌هایی از اشعار ادونیس) ترجمه موسی اسوار و من از آینده می‌آیم برگردان عبدالحسین فرزاد، اشاره کرد.

۱.۳ کتاب الشعرية العربية و جایگاه آن

این اثر در بیروت توسط انتشارات «دار الآداب» در حجمی متوسط و در ۱۱۲ صفحه به سال ۱۹۸۵م منتشر شد و در سال‌های ۱۹۸۹ و ۲۰۰۰م نیز تجدید چاپ گردید. همچنین، این سخنرانی‌ها از سوی انتشارات «دار سندباد» در سال ۱۹۸۵م به زبان فرانسوی منتشر گردید. به طور کلی تبخّر نویسنده بر پیشینه موضوع در میراث کهن عربی از یک‌سو و بهره‌گیری از منابع مهم و دست اول تحقیق از سوی دیگر، این اثر را در میان کتب و مطالعات نقدی دیگر این حوزه، برجسته ساخته و منبعی اصیل بر پژوهشگران قرار داده‌است.

کتاب الشعرية العربية با مقدمه‌ای از ایو بونفوا (Yves Bonnefoy)، شاعر، ناقد و استاد کرسی شعر در کلژ دو فرانس آغاز می‌شود که در آن وی به دلایل شکل‌گیری و محتوای اثر اشاره می‌کند. بونفوا در این مقدمه، از تأثیر سخنان ادونیس بر حاضران و تسلط وی به زبان فرانسوی سخن می‌گوید و معتقد است با شیوه خوانش ادونیس می‌توان به شالوده

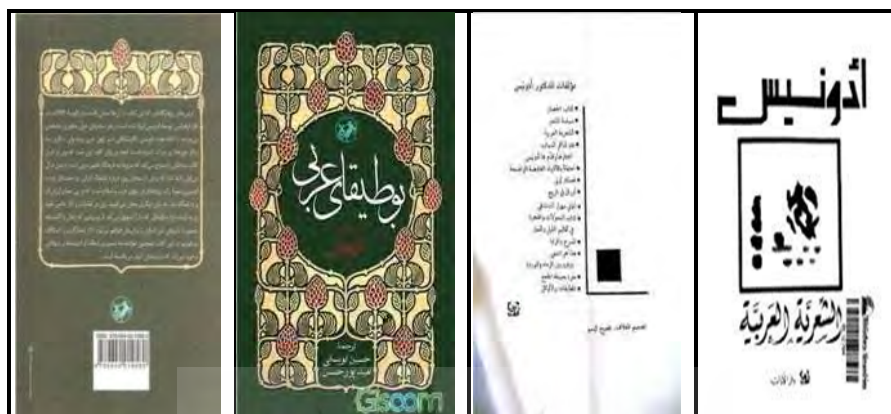
میراث ادب عربی دست یافت. وی در پایان مقدمه، ضمن سپاسگزاری از ادونیس، امیدوار است پژوهش در حوزه ادب عربی، جایگاه مناسب خود را در جامعه فرانسوی پیدا نماید. پس از این مقدمه، فصول چهارگانه کتاب که تقریباً حجم برابری دارند، آمده‌است. عنوان این فصول به ترتیب عبارتند از: بوطیقا و گفتاربنیادی جاهلی، بوطیقا و فضای قرآنی، بوطیقا و تفکر، بوطیقا و مدرنیسم. هر یک از این عناوین را می‌توان مقاله‌ای واحد به شمار آورد که در پیوند و تسلسل منطقی با یکدیگر قرار داشته و در حوزه‌ای واحد قرار می‌گیرد و از آنجا که مخاطبان نخست این اثر فرانسوی‌ها بوده‌اند، ادونیس مطالب را به شکلی گذرا بیان کرده و از بیان جزئیات موضوع پرهیز کرده است.

در فصل نخست نویسنده این اثر به پیدایش شعرسرایی در میان عرب پرداخته و «سماع» را تنها راه انتقال آن به نسل‌های بعدی به شمار می‌آورد. در ادامه، معیارهای ارزیابی شعر در میان قدما را بررسی کرده و به اهمیت موسیقی و وزن شعر اشاره می‌کند. در فصل دوم، به بررسی نقش ساختار نوشتاربنیادی قرآن بر شعر عربی می‌پردازد و به ترتیب تاریخی آراء نقاد و ادبا در این عرصه را کنکاش می‌کند. فصل سوم این کتاب با موضوع ارتباط بوطیقای عربی و تفکر آغاز می‌شود. در این بخش نویسنده مباحثی چون بیان مجازی، ابعاد روانی و معرفت‌شناختی سراینده را مطرح می‌کند و اهمیت آن را در ظهور شعر مورد سنجش قرار می‌دهد. فصل پایانی نیز به موضوع بوطیقا و مدرنیسم اختصاص یافته‌است. چالش هویت عربی در برابر رویکرد نوگرایی غرب، اهمیت بازخوانی سنت ادبی و آفرینش شعری از موضوعات برجسته این بخش است.

۴. ارزیابی ابعاد شکلی ترجمه

متن اصلی و ترجمه کتاب هر دو در قطع رقعی به چاپ رسیده‌است. *الشعرية* طرح جلدی ساده دارد که نام نگارنده و عنوان کتاب با قلمی درشت بر چهره آن خودنمایی می‌کند. در پشت جلد کتاب هم آثار برجسته ادونیس معرفی شده‌است؛ اما ترجمه اثر با نقش و نگاری جذاب‌تر دیده می‌شود. رنگ سبز زیتونی با طرح اسلیمی و عنوان برجسته «بوطیقای عربی» بر روی جلد، هویتی خاص بر این ترجمه بخشیده‌است. انتخاب واژه «بوطیقا» در عنوان فارسی کتاب به جهت پیشینه کهن این واژه در حوزه ادبی و مأنوس بودن آن از یکسو و پیوند محتوای اثر با مسائل بنیادین شعر از سوی دیگر، از دیگر معادل‌های کلمه «الشعرية» مناسب‌تر به نظر می‌رسد و به نیکی غرض بررسی ادبیات «در مقام آفرینش کلامی» را

برمخاطب متصور می‌سازد» (مکاریک، ۱۳۸۳: ۶۵). در پشت جلد هم شرحی گزیده در باب محتوای اثر و اهمیت ترجمه آن در دوازده سطر ملاحظه می‌شود.



شکل ۱. مقایسه طرح جلد کتاب *الشعرية العربية* با طرح جلد ترجمه آن

۱.۴ امتیازات ترجمه اثر

از محاسن ظاهری ترجمه این اثر، تنظیم بخش‌های فصول آن است که همچون متن اصلی با شماره‌گذاری از یکدیگر جدا شده و برگردان پاراگراف‌ها و عبارات، نظم و نسق متن عربی را نشان می‌دهد. انتخاب قلم مناسب و نگارش عنوان فصول در بالای هر صفحه، شکل ظاهری متن ترجمه را آراسته ساخته است. افزودن پاورقی‌های توضیحی مانند پاورقی صفحه ۴۵ و نگارش لاتین اسامی و القاب بیگانه، در پانویشت ترجمه (مانند صفحات ۹، ۱۰، ۳۴، ۷۲ و غیره)، از محاسن ترجمه مذکور است. همچنین، ابیات، نام کتب و اعلام عربی در متن با دقتی خاص اعراب‌گذاری شده است تا مخاطب فارسی‌زبان آن را به راحتی بخواند. مترجمان در بخش پایانی ترجمه هم به تنظیم فهرست منابع و مآخذ موجود در متن کتاب پرداخته و پس از آن بخشی را به نمایه عناوین کتب، نام اشخاص و مکان‌ها اختصاص داده‌اند که از ویژگی‌های مثبت این ترجمه به شمار می‌آید.

۲.۴ خطاهای نگارشی در بو طیقی عربی

به طور کلی کم‌تر کتابی روانه بازار می‌شود که از سهوها و خطاهای چاپی تهی باشد. این خطاها اغلب دشواری مطالعه را به همراه دارد. آسیب‌های ناشی از این خطاها را نمی‌توان

ارزیابی برگردان کتاب *الشعرية العربية* با رویکرد نقد مقابله‌ای ترجمه (علی اصغر شهبازی) ۱۹۵

برابر دانست. خوشبختانه در ترجمه کتاب *الشعرية العربية* خطاهای چاپی کمی به چشم می‌آید و خواننده فارسی اغلب این خطاها را با تکیه بر بافت و سیاق جملات، درمی‌یابد. اما، لغزش‌هایی هم در هنگام ترجمه کلمات و عبارات عربی روی داده است که همه این موارد در جدول ذیل (شماره ۱) آورده شده است.

جدول ۱. خطاهای چاپی در متن بوطیقای عربی

ردیف	شماره صفحه ترجمه	سطر	متن ترجمه	تصحیح
۱	۱۲	۱۵	کولوژ	کلز
۲	۱۶	۳	تَعَنَّ	تَعَنَّ
۳	۱۸	۲۱	غاشیة: ۲۶	غاشیة: ۲۵ و ۲۶
۴	۱۹	۲۰	(المقدمة، ص ۵۹۶)	(المقدمة، ص ۵۶۹)
۵	۲۴ (پاورقی)	۴	ترکیب و آواها	ترکیب آواها
۶	۳۵	۱۰	شیوه‌ای	شیوه‌ی
۷	۴۳	۱۲	نظم	نظر
۸	۴۴	۷	اجتماعی	احتمالی
۹	۵۰	۷	(همان، ۱۹۲-۱۹۷)	(همان، ص ۱۹۲-۱۹۷)
۱۰	۵۰	۱۸	(همان، ص ۳۴۶)	(همان، ص ۳۶۴)
۱۱	۵۴	۱۳	(متوفای ۶۳۸ هـ)	(متوفای ۶۳۷ هـ)
۱۲	۵۷	۱	خواستگاه	خاستگاه
۱۳	۷۷	۴	بازگردان	بازگرداندن
۱۴	۸۳	۲۳	مدرنیته عربی	مدرنیته غربی
۱۵	۸۷	۱۸	رامبو	رمبو
۱۶	۸۷	۲۱	ویژگی زمانی - بیانی (خاصیتها اللغویة - التعبیریة)	ویژگی زبانی - بیانی
۱۷	۸۹	۵	فعالیت علمی (الممارسة العلمية)	فعالیت عملی
۱۸	۹۲	۱۰	پرسش پیوسته (القفز المتواصل)	پرش پیوسته
۱۹	۹۸	۱۱	اصالتمان	اصالتان
۲۰	۱۰۸	۱۱	گذشته	گذشته‌ای
۲۱	۱۰۸	۲۰	زبان هنری	زبان عربی
۲۲	۱۱۱	۴	فاتحة لنهايات القرن	فاتحة لنهايات القرن
۲۳	۱۱۱	۴	داد العودة	دار العودة
۲۴	۱۱۱	۱۱	مکتبظ الخانجی	مکتبه الخانجی

عبدالملك	عبدالملك	۲۰	۱۱۱	۲۵
تحقیق	تحثیث	۱	۱۱۲	۲۶

چنان که در این جدول ملاحظه می‌شود ضبط نادرست شماره آیات و اعداد، خطا در واژه‌ها و لغزش‌های نگارشی بخشی از این موارد می‌باشد که بهتر است در چاپ‌های بعدی کتاب اصلاح گردد. از دیگر خطاهای نگارشی در این ترجمه جابجایی نگارش مصرع‌ها در این بیت از بشار بن برد است که در پاورقی صفحه ۳۱ ملاحظه می‌شود:

نادرست:

إِذَا مَا أَرَادَ الْقَوْلَ زَوَّرَهُ شَهْرًا فَهَذَا بَدِيهَةٌ، لَا كَتَحْبِيرِ قَائِلٍ

نادرست:

فَهَذَا بَدِيهَةٌ، لَا كَتَحْبِيرِ قَائِلٍ إِذَا مَا أَرَادَ الْقَوْلَ زَوَّرَهُ شَهْرًا

چنان‌که در دیوان بشار نیز این‌گونه ثبت شده است (بشار بن برد ۱۹۸۱: ۱۱۹). مطابقت میان صفت و موصوف به پیروی از دستور عربی، یکی از موارد خروج از زبان فارسی معیار است که در برگردان ترکیب‌های وصفی ملاحظه می‌شود؛ برای نمونه:

متن عربی: «ولما كانت الألحان الكاملة هي التي توجد بالصوت الإنساني» (ادونیس ۱۹۸۹: ۲۰)؛ «الألحان الكاملة نافعة في إفادة الهيئات والأخلاق» (همان: ۲۱).

ترجمه: «آهنگ‌های کامله، همان چیزی است که با صدای انسان شکل می‌گیرد» (ادونیس ۱۹۹۷: ۲۶)؛ «آوازهای کامله در بیان اشکال و اخلاق، سودمند بوده...» (همان: ۲۷). ترجمه صحیح: آهنگ‌های کامل.

کاربرد نادرست نشانه «را» مفعولی نیز یکی از خطاهای نگارشی است که عدم کاربرد درست آن، روانی و رسایی متن را مخدوش می‌سازد. در ترجمه بوطیقای عربی نمونه‌هایی از آن به چشم می‌خورد:

- سطر اول صفحه ۳۷: «لذا در چنین خوانشی از ما، می‌بایست سکوت و آنچه ساکت است را نیز مورد مطالعه قرار داد»؛ صحیح: «...سکوت و آنچه که ساکت است، نیز مورد مطالعه قرار داد».

- سطر هفتم صفحه ۶۳: «آنچه را که ما جای خالی‌اش را در این نظریه احساس می‌کنیم»؛ صحیح: «آنچه که ما جای خالی‌اش را در این نظریه احساس می‌کنیم».

۵. نقد مقابله‌ای ترجمه فارسی کتاب *الشعرية العربية*

۱.۵ معادل‌یابی واژگانی

برخورد با واژه‌ها مرحله ابتدایی پیش‌روی هر مترجمی است. واژه‌ها دست در دست هم سازنده معانی و مفاهیم متن‌اند و از چگونگی چینش آن‌ها معانی قابل درک می‌شود؛ اما نباید اینگونه پنداشت که ترجمه تنها انتخاب واژه‌های معادل در زبان مقصد برای متن زبان مبدأ است؛

زیرا عناصر متنی مختلف زیادی از جمله روابط نحوی و ساختمان جمله‌ای (ترتیب واژه‌ها، زمان و وجه افعال و غیره) و روابط متنی و بین جمله‌ای ضمائر و مراجع آن‌ها، روابط معنایی بین جملات و عناصر شبه زبانی، در انتقال معانی تشریک مساعی می‌کنند که واژگان یکی از آن‌ها هستند. معنا و پیام در طی فرآیندی از کنش و واکنش کلیه عناصر و عوامل متنی از یک سو خواننده متن از سوی دیگر تبلور و تحقق می‌یابد (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۱: ۸۰).

در سطح واژگانی، گزینش و معادل‌یابی نزدیک به جوهره متن اصلی از اهمیت وافری برخوردار است. در این سطح، وجود عناصر چالشی که از ناهمگونی نظام ادبی زبان‌ها ناشی می‌گردد، مترجم را در انتخاب معادل همسان دچار دشواری می‌نماید. در سطح واژگانی ترجمه کتاب *الشعرية العربية* در چهار بخش کیفیت برگردان واژه‌های مشترک، برابریابی واژه‌های بیگانه، یکسان‌سازی معادلها و اصل همنشینی در ترجمه، مورد بررسی قرار گرفته است.

۱.۱.۵ ناهنجاری برگردان واژه‌های مشترک

اشتراک کلمات در فارسی و عربی و تفاوت معنایی آن‌ها از دشواری‌های ترجمه به‌شمار می‌آید. این واژگان به دلیل سیر تحول معنایی متأثر از عوامل دینی، گسست فرهنگی، کثرت استعمال، به‌گزینی و مانند آن، مترجم را در چالش انتخاب معادل قرار می‌دهد (رمضانی ۱۳۹۶: ۱۵۱)، به عبارتی دیگر،

واژگانی که معنای خود را در ذهن تثبیت کرده‌اند، هنگام اسناد به معنا و مفهومی دیگر، مشکل‌آفرین می‌شوند؛ یعنی، وقتی ما یک مفهوم را در دو زبان به دو واژه مختلف ربط می‌دهیم، مشکل کمتری داریم تا این‌که بخواهیم یک واژه مشترک را در دو زبان به

دو مفهوم متفاوت وابسته کنیم و همزمان دقت کافی داشته باشیم تا مدلول‌های متفاوت دو زبان را به اشتباه جایگزین یک‌دیگر نکنیم (نصیری ۱۳۹۰: ۹۲).

در ترجمه بوطیقای عربی نمونه‌هایی از این مسأله مشاهده می‌شود که موارد زیر از آن جمله است:

- متن عربی: «ومن السكر الذی یحرر الجسد من رقابة المنطق والتقالید، رمزاً للتحرر الشامل» (ادونیس ۱۹۸۹: ۶۲).

ترجمه: «و مستی و شرب خمر را که جسم را از سانسور منطق و تقالید می‌رهاند، نمادی برای آزادی فراگیر انتخاب می‌کند» (ادونیس ۱۳۹۷: ۶۵).

وارد کردن مستقیم «منطق و تقالید» به ترجمه، ضمن دشوار ساختن معنای جمله، مراد نویسنده را به خوبی بیان نمی‌کند؛ چرا که این دو واژه در فارسی معانی گوناگونی داشته و درک معنای مراد برای خواننده دشوار می‌نماید، ضمن آن که با معنای مقصود عربی نیز تفاوت دارد. مراد از کلمه «منطق» قوه «عقلانی» است که به انسان معرفت و توانایی تشخیص می‌بخشد و مقصود از «تقالید» نیز آیین مرسوم و عرف شایع در یک جامعه می‌باشد که هر دو واژه به شکل مستقیم وارد نثر ترجمه گشته است. کلمه «سانسور» نیز در این جمله همنشین مانوس و مناسبی برای دو واژه مذکور نمی‌باشد، چنانکه بافت و سیاق عبارت نیز چنین مفهومی را تداعی نمی‌کند و به جای آن کلماتی چون «قید» یا «نظارت» پیشنهاد می‌گردد که شمول معنایی گسترده‌تری از آن دارد. بنابراین بهتر است عبارت بالا به این شکل تصحیح گردد: «جسم را از قید عقل و عرف می‌رهاند...».

- متن عربی: «الحديث من هذه الناحية، یکشف عن نقص ما، أو عن فراغ ما فی القديم والحداثة، إذن خروج علی الأصول» (ادونیس ۱۹۸۹: ۸۲).

ترجمه: «سخن در این باره، نشان‌دهنده وجود یک نارسایی یا یک جای خالی در گذشته است، بر این اساس، مدرنیسم می‌تواند قیام علیه اصول تلقی شود» (ادونیس ۱۳۹۷: ۸۴).

چنان که در این ترجمه ملاحظه می‌شود مترجمان محترم به جای برگردان درست کلمه «اصول»، خود کلمه را ذکر کرده‌اند، حال آن که معنای صحیح این کلمه در عبارت بالا «سنت‌ها» است (ناظمیان ۱۳۸۱: ۷۷) و این معادل، معنایی دقیق‌تر در انتقال مقصود نویسنده در بردارد که خود واژه «اصول» این مدلول را تداعی نمی‌سازد.

- **متن عربی:** «إنه یکتب التاریخ برؤیا القلب، ونشوة اللغه» (ادونیس ۱۹۸۹: ۶۶) ترجمه: «نفری تاریخ را با رؤیای قلب و با نشو و نما نمای زبان می‌نویسد» (ادونیس ۱۳۹۷: ۶۸).

این واژه هرچند در زمره واژه‌های مشترک نیست؛ ولی مترجمان آن را واژه‌ای مشترک تلقی کرده و در ترجمه دچار لغزش گشته‌اند. «نشوة» مصدر فعل نشی - به معنای «سرمست گشتن» است (*المعجم الوسیط*، ۱۴۲۵: ذیل ماده «نشی») که با «نشو و نما» کاملاً متفاوت است و به نظر می‌رسد این کلمه با «نشأة» اشتباه پنداشته شده است.

ترجمه پیشنهادی: «نفری تاریخ را با رؤیای قلب و شوریدگی زبان می‌نویسد».

- **متن عربی:** «ولهذا یتحتم علینا أن نقاربا بطرق مغایرة، خصوصا فی هذا العصر الهائل من انفجار المعرفة» (ادونیس ۱۹۸۹: ۹۸).

ترجمه: «این یقین را در ما تقویت می‌کند که تولیدات گذشتگان را علی‌الخصوص در این دوره که انفجار معرفت به صورت سرسام‌آوری رخ داده، با روش‌های متفاوت قرائت کنیم» (ادونیس ۱۳۹۷: ۹۸).

«معرفت» در فارسی به معنای «شناختن»، «شناسایی»، «علم و دانش» و مانند این‌ها وارد شده است (معین ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۷۷۰). انتقال مستقیم آن به متن فارسی، آن‌هم در هم‌آیی با کلمه «انفجار» ترکیبی نامأنوس در نثر ترجمه پدید آورده است. گفتنی است امروزه ترکیب «انفجار اطلاعات» اصطلاح رایجی در حوزه علوم و فنون است که در عربی نیز معادل «تفجر المعلومات» برای آن مرسوم است. از این رو، برای اصطلاح مذکور، ترکیب‌هایی آشنا و متداول چون «انفجار دانش» یا «فوران علم» پیشنهاد می‌شود تا معنای مورد نظر برای خواننده ملموس‌تر جلوه نماید.

- **متن عربی:** «ومنها القول بضرورة جمال الابتداء وجمال الانتهاء فی القصيدة، أی براعة الاستهلال وبراعة الخاتمة» (ادونیس ۱۹۸۹: ۲۶).

ترجمه: «ضرورت رعایت آغاز و پایان زیبا برای قصیده؛ یا همان براعت استهلال و براعت خاتمه نیز در زمره این ارزش‌هاست» (ادونیس ۱۳۹۷: ۳۲).

کلمه «قصیده» در مثال بالا از جمله واژگان مشترک دیگری است که مترجمان به جای معادل‌یابی درست، عینا آن را وارد ترجمه ساخته‌اند؛ حال آن‌که مفهومی که فارسی‌زبانان از این واژه درک می‌کنند، کاملاً متفاوت از معنای عربی آن است. در واقع، مقصود از

این لفظ در عبارت بالا «قالب شعری» مرسوم نیست و معادل درست آن در فارسی «شعر» است که البته در مواردی هم در متن ترجمه درست معادل‌یابی شده است.

۲.۱.۵ ذکر واژه‌های بیگانه بدون برابرهادهای فارسی

کاربرد واژه‌های بیگانه با وجود برابرنهادهای مناسب آن‌ها در فارسی مسأله‌ای است که در متن ترجمه بوطیقای عربی به صورت نادر ملاحظه می‌شود این موضوع ضمن دیرپاب کردن متن ترجمه، به نوعی خروج از زبان معیار تلقی می‌شود. ذکر واژه‌هایی چون «ناسیونالیستی» (Nationalism) در صفحه ۳۶، «تیپولوژی» (typology) در صفحه ۴۰، پوزیتیویسم (positivism) و «اپوزیسیون» (opposition) هر دو در صفحه ۹۱، به ترتیب معادل انگلیسی واژه‌های «قومیه، نمودجیه، وضعیه و معارضه» در متن به شمار می‌روند که بهتر است معادل‌های فارسی جایگزین آن‌ها گشته و یا با شرحی گزیده در پانویشت مفهوم آن‌ها روشن گردد. البته این مطلب درباره برخی از واژه‌های عربی چون «محاکات» صفحه ۳۹، «لون» صفحه ۷۸ و مانند آن، نیز صدق می‌کند.

۳.۱.۵ عدم وحدت و یک‌نواختی در معادل‌گزینی

رعایت اصل وحدت و یکسان‌سازی در واژه‌گزینی از ضرورت‌های یک برگردان مناسب است که در برگردان متون تخصصی اهمیت خاصی دارد. به طور کلی مترجم می‌بایست در انتخاب معادل ترجمه‌ای واژه‌ها در سراسر متن به طور یکنواخت عمل کند، یعنی

وقتی عنصری را از زبان مقصد به عنوان معادل برای واژه یا اصطلاحی از زبان مبدأ برمی‌گزیند چنین‌گزینشی را در سراسر آن متن به طور یکنواخت تداوم بخشد. در صورت عدم رعایت این اصل یعنی در صورت ناهمگونی معادل‌های یک عنصر واژگانی زبان مبدأ در قسمت‌های مختلف یک متن انسجام متنی و در نتیجه پیام اصلی متن لطمه خواهد دید (لطفی پورساعدی ۱۳۷۱: ۹۴)

و موجبات سردرگمی خواننده را فراهم خواهد آورد و سبب می‌شود که او گمان کند متن به دو مفهوم متفاوت اشاره دارد. این پدیده در نگاه برخی از صاحب‌نظران حوزه ترجمه با عنوان «کژتابی اصطلاح» یاد شده است (ژیل ۱۳۹۴: ۲۱۷). بنابراین تنوع به کارگیری اصطلاحات و معادل‌های مترادف برای مفهوم‌های یکسان، موضوعی است که هر مترجمی لاجرم باید مد نظر قرار داده باشد. در ترجمه کتاب بوطیقا این موضوع در انتخاب

ارزیابی برگردان کتاب *الشعرية العربية* با رویکرد نقد مقابله‌ای ترجمه (علی اصغر شهبازی) ۲۰۱

برخی از اصطلاحات تخصصی ادبی مراعات نشده که برجسته‌ترین آن‌ها را در جدول ذیل بیان نمودیم:

جدول ۲. تنوع معادل‌یابی در بوطیقای عربی

ردیف	اصطلاح عربی	معادل‌های انتخاب‌شده در متن ترجمه
۱	الإيقاع	آهنگ (سطر بیست و دوم: ص ۱۷)، ضرب‌آهنگ (سطر سوم: ص ۳۳)، هارمونی (پاورقی: ص ۱۷)، ریتم (سطر هجدهم: ص ۲۵) و صفحات دیگر...
۲	الألحان	نغمه‌ها (سطر نهم: ص ۵۹)، آهنگ‌ها (سطر دوازدهم: ص ۲۶)، آوازاها (سطر اول: ص ۲۷)، آوازخوانی (سطر هفتم: ص ۲۵) و ...
۳	النشید	آواز (سطر هشتم: ص ۱۳)، سروده (سطر ششم: ص ۱۵)، آوازگونه (سطر بیست و سوم: ص ۳۳)، ترانه‌گونگی (سطر شانزدهم: ص ۵۹).
۴	الإبداع	آفرینش (سطر دهم: ص ۴۴)، پویندگی (سطر بیستم: ص ۱۰۸)، ابداع (سطر دوازدهم: ص ۱۰۶)، خلاقیت (سطر چهاردهم: ص ۱۱۰)، آفرینش‌گری (سطر پنجم: ص ۱۰۲)
۵	الشعرية	بوطیقا (در اغلب صفحات با همین معادل ذکر شده است)، خصوصیت شعری (سطر یازدهم: ص ۴۰)، شعربودگی (سطر نوزدهم: ص ۴۰)، شعرگونه (سطر بیست و پنجم: ص ۴۶)، شعرگونگی (سطر بیست و یکم: ص ۹۴)، شاعرانگی (سطر هشتم: ص ۳۸)، شعری (سطر بیستم: ص ۸۵)
۶	الحدائث	نوآوری (پاورقی: ص ۹۶)، مدرن بودن (پاورقی: ص ۹۶)، مدرنیسم و مدرنیته (سطر دوازدهم: ص ۹۷)

نمونه‌هایی از این موضوع به همراه ترجمه‌ها ذکر می‌شود:

ترجمه واژه إيقاع

این واژه از جمله کلمات کلیدی و با بسامد بالا در کتاب ادونیس است که برابرنهاده‌های مختلفی در برگردان آن مشاهده می‌شود:

- متن عربی: «بدأ الإيقاع في الجاهلية سجعا، كما يجمع معظم الباحثين» (ادونیس ۱۹۸۹: ۱۰)

ترجمه: «در نگاه بیشتر پژوهشگران آهنگ در جاهلیت با سجع شروع شد» (ادونیس ۱۳۹۷: ۱۷).

- متن عربی: «یروی عن الخلیل أنه تكلم فی فنون كثيرة منها: علم الغناء والإيقاع وعلم الكلام والجدل» (ادونیس ۱۹۸۹: ۱۷).

- ترجمه: «آورده‌اند که خلیل از فنون بسیاری سخن گفته است که از جمله آن است: آواز، هارمونی، کلام، جدل...» (ادونیس ۱۳۹۷: ۲۴).
- متن عربی: «یقتضی اشتراک الحسّ وقوة التصور لإيجاد جنس الإيقاع الموزون الذی یربط أجزاءها» (ادونیس ۱۹۸۹: ۱۹). «برای ایجاد گونه‌ای ریتم موزون که اجزای آن را هنگام کشیدن...» (ادونیس ۱۳۹۷: ۲۵).
- متن عربی: «الإيقاع أساس القول الشعری الجاهلی، لأنه قوة حية تربط بین الذات والآخر» (ادونیس ۱۹۸۹: ۲۷).
- ترجمه: «ضرب‌آهنگ اساس سخن شعر جاهلی لقب می‌گیرد زیرا نیرویی زایاست» (ادونیس ۱۳۹۷: ۳۳).

۴.۱.۵ کم‌توجهی به روابط هم‌نشینی در واژه‌گزینی

- بخش اصلی هر ترجمه، معادل‌یابی و واژه‌گزینی است. به کارگیری معادل آشنا در زبان مقصد، در حقیقت بیان یا بازگویی عبارت متن اصلی به زبانی طبیعی‌تر و آشنا‌تر است و همان تأثیری را در خواننده ترجمه می‌گذارد که متن اصلی بر خواننده خود گذاشته است.
- معادل آشنا در عرف زبان مقصد معادلی است که شاید در فرهنگ لغت ذکر نشده باشد، ولی مترجم اطمینان دارد که این معادل منظور نویسنده متن اصلی را به خوبی می‌رساند و علاوه بر آن باعث روانی و شیوایی متن ترجمه می‌شود (ناظمیان ۱۳۹۱: ۵۴).
- در ذیل معادل‌هایی که بدون توجه به اصل هم‌نشینی، در متن ترجمه بوطیقای عربی ملاحظه می‌شود، مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم.
- متن عربی: «تجعل من النص القرآنی نموذجاً أدیباً جدیداً، یقابل النموذج الجاهلی ویتخطأه» (ادونیس ۱۹۸۹: ۳۶).
- ترجمه: «متن قرآنی را نمونه ادبی جدیدی قلمداد می‌کنند که در برابر نمونه جاهلی خود قرار می‌گیرد و از آن سربلندی می‌کند» (ادونیس ۱۳۹۷: ۴۱).
- ملاحظه می‌شود مترجمان معادلی را که برای فعل «یتخطی» انتخاب نموده‌اند پیوند کم‌رنگ‌تری با سیاق عبارت و مراد نویسنده دارد و معنای جمله را نادرست کرده است. ترجمه پیشنهادی: «... در برابر الگوی جاهلی قرار می‌گیرد و از آن فراتر می‌رود».

ارزیابی برگردان کتاب *الشعرية العربية* با رویکرد نقد مقابله‌ای ترجمه (علی اصغر شهبازی) ۲۰۳

- **متن عربی:** «بِحیث تزول الهوة التي تفصل بين انفعاله وفعله، بين رغبته وقدرته» (ادونیس ۱۹۸۹: ۶۲).

ترجمه: «به گونه‌ای که حفره فاصل میان عمل و احساس، و میان میل و توان او از بین خواهدرفت» (ادونیس ۱۳۹۷: ۶۴).

ترکیب «حفره فاصل» در زبان فارسی بسیار نامأنوس است و مترجمان ترجمه تحت‌اللفظی «هوة» را بدون توجه به روابط عناصر و اجزای جمله ذکر کرده‌اند که با آن‌ها کم‌ترین همخوانی ندارد.

ترجمه پیشنهادی: «شکاف میان عمل و احساس...».

- **متن عربی:** «أرى أن المستقبل لم يعد ذلك الشيء المجهول المنتظر الذي تترقبه بأمل وفرح، بل أصبح على العكس، يبدو كأنه ماضٍ نكرهه ألياً» (ادونیس ۱۹۸۹: ۱۰۷).

ترجمه: «دریافتیم که آینده، دیگر آن امر ناشناخته‌ای نیست که در نهایت آرزو و شادی، به انتظار آمدنش نشسته‌ایم بلکه به طور عکس، آینده به شکل گذشته‌ای در آمده که ابزاروار تکرارش می‌کنیم» (ادونیس ۱۳۹۷: ۱۰۵).

- **متن عربی:** «وإذا كانت الحداثة بمظهرها التقنوي - الآلي تحيل حياتنا اليوم إلى صحراء من الاستيراد والاستهلاك» (ادونیس ۱۹۸۹: ۹۲).

ترجمه: «اگر امروزه مدرنیسم با پدیده فناورانه - ابزارای خود زندگی ما را به صحرایی از واردات و مصرف کالا بدل می‌کند» (ادونیس ۱۳۹۷: ۹۲).

برگردان قید حالت «ألياً» در این عبارت به «ابزاروار» نادرست و نامأنوس است و می‌بایست با قیود پرکاربرد و آشنایی چون «خودکار»، «بی‌اختیار»، «ناخواسته» و مانند آن، جایگزین گردد تا با سیاق فارسی هماهنگ‌تر گردد.

- **متن عربی:** «جودة النص الشعري في ذاته، هي التي يجب أن تكون معيار التقويم، لا الأسبقية الزمنية» (ادونیس ۱۹۸۹: ۴۳).

ترجمه: «نیکیوی ذاتی متن شعری است که می‌بایست معیار استحکام شعر قلمداد شود، نه قدمت زمانی» (ادونیس ۱۳۹۷: ۴۸).

- **متن عربی:** «وغلبت تبعاً لذلك معايير الشفوية الشعرية في تقويم الشعر» (ادونیس ۱۹۸۹: ۵۷).

ترجمه: «و به تبع آن معیارهای گفتاربنیادی بوطیقا بر استواری شعر چیره گشته...» (ادونیس ۱۳۹۷: ۶۰).

کلمه «التقویم» در هر دو عبارت به معنای «ارزیابی» است و نه «استحکام و استواری»، چنان که سیاق هر دو جمله نیز با کلمه «ارزیابی» بیشتر تناسب دارد.

- متن عربی: «نشوء نظرة جمالیة جدیدة - فلم يعد الوضوح الشفوی الجاهلی معیارا للجمال والتأثیر» (ادونیس ۱۳۹۷: ۵۴)،

ترجمه: «پیدایش نظریه زیبایی‌شناسانه‌ای جدید که در آن، دیگر وضوح گفتار بنیادی جاهلی معیاری برای زیبایی و تأثیر نیست».

در ترجمه بالا کلمه «نظریه» معادل مناسبی برای اسم مره «نظرة» به شمار نمی‌آید. چرا که «نظریه» عمدتاً مبتنی بر نظامی از فرضیه‌ها، اصول پذیرفته شده، و رویه‌های انجام کار که به منظور توصیف، پیش‌بینی و یا تبیین ماهیت یا رفتار مجموعه خاصی از پدیده‌ها ابداع شده است (بیستس، ۱۳۸۷: ۴۲)، در حالی که کلمه «نظرة» این معنا را افاده نمی‌کند. ضمن آن که واژه «جدیدة» را می‌بایست صفت برای «نظرة» به شمار آورد نه «جمالیة»؛ با توجه به این نکات ترجمه پیشنهادی جمله بالا چنین است: پیدایش نگرشی جدید در زیباشناسی؛ زیرا دیگر روشنی گفتاربنیادی جاهلی معیار زیبایی و تأثیر نبود.

- متن عربی: «نری علی العکس أن نصّ أبی العلاء مثقل غالباً بنوع من الفکرية الباردة، لكن التي ترين عليه فی ما يشبه الكابوس الساحق» (ادونیس ۱۹۸۹: ۷۰).

ترجمه: «اما به عکس در متن ابوالعلا غالباً شاهد سنگینی نوعی اندیشه ساکن و خشکیم. آنچه در متن ابوالعلاء دیده می‌شود شبیه به نوعی کابوس خردکننده است» (ادونیس ۱۳۹۷: ۷۲).

۲.۵ افتادگی واژه یا عبارت از متن اصلی

مقوله حذف یا افزوده ترجمه‌ای در سطوح مختلفی در متن روی می‌دهد و هر دو با توجه به مقتضیات زبانی ضروری است. اما این مسأله زمانی مورد انتقاد قرار می‌گیرد که امانتداری مترجم را خدشه‌دار سازد و تصرف او در متن نافی قوانین ترجمه‌ای باشد. به طور کلی مسأله حذف به دلایلی چون «کاستن از فشار ترجمه، ضروری تشخیص ندادن، خطای دید و غیره رخ می‌دهد و این کار به دور از امانتداری مترجم است» (نصیری ۱۳۹۰: ۱۲۲).

ارزیابی برگردان کتاب *الشعرية العربية* با رویکرد نقد مقابله‌ای ترجمه (علی اصغر شهبازی) ۲۰۵

افزوده‌های ترجمه‌ای نیز اغلب برای روان‌سازی متن و نزدیک کردن متن برگردان شده با زبان مقصد است.

از جمله حذف‌های برجسته در ترجمه این کتاب جا انداختن یک پاراگراف از صفحه ۱۰۰ متن اصلی است که حکایت از کم‌دقتی مترجمان محترم دارد و لازم است در چاپ بعدی کتاب مورد توجه قرار گرفته و اصلاح شود:

دون هذا الوعي، قد ينقلب تعارضنا السياسي - الإيديولوجي مع الآخر الغربي، إلى تعارض إنساني - ثقافي وحضاري. وتكشف إرادة الوصول إلى ترسيخ هذا التعارض الأخير، سواء جاءت من جهة الغرب أو من جهة الشرق العربي - الإسلامي، قصدا أو عفوا، عن إرادة أخرى، خصوصا في عصرنا الراهن، هي توكيد مقولة «التوفيق الغربي»، أي توكيد الثنائية الزائفة: غرب متحضر، وشرق عربي إسلامي متخلف. وأقول زائفة لأنها تستند إلى معيار سطحي - معيار التقنية الآلية، ولأنه لم يعد هناك «غرب» أو «شرق»، يشكل كل منهما، وحدة كلية قائمة بذاتها. كلاهما متعدد، متنوع: في الغرب أنواع كثيرة من الغرب أكثر انحطاطا من أي انحطاط عربي إسلامي، وفي الشرق العربي الإسلامي أنواع كثيرة من الشرق أكثر تقدما من أي تقدم عربي (ادونيس ۱۹۸۹: ۱۰۰).

همچنان که در برخی از موارد نیز عبارات و کلماتی را محذوف می‌بینیم:

- متن عربی: «الشاعر هو من يؤكد أن الحالات الكونية للوجود كما يفهمها المجتمع ليست هذا الواقع» (ادونيس ۱۹۸۹: ۳).

ترجمه: «شاعر کسی است که اصرار دارد اساس هستی، همین واقعیت موجود و مورد قبول نیست» (ادونيس ۱۳۹۷: ۱۱). در جمله بالا عبارت «كما يفهمها المجتمع» در ترجمه ذکر نشده است. ترجمه پیشنهادی: «... احوال هستی که جامعه آن را درک می‌کند، واقعیت موجود نیست».

- متن عربی: «للشعر العربي خصوصية بيانية وموسيقية تميّزه عن شعر الأمم الأخرى» (ادونيس ۱۹۸۹: ۱۴) ترجمه: «شعر عربی دارای ویژگی‌هایی بیانی و موسیقایی است که آن را از ملل دیگر متمایز می‌کند» (ادونيس ۱۳۹۷: ۲۱).

در جمله بالا ملاحظه می‌شود که حذف کلمه «شعر» پیش از «الأمم» مضمون عبارت را ناقص نموده و پیام نویسنده با خدشه همراه گشته است.

- **متن عربی:** «وضعت أوزان الشعر لحفظ إيقاعاته وتمييزها عن غيرها من الأوزان والإيقاعات الشعرية اليونانية والسريانية والفارسية والهندية» (ادونیس ۱۹۸۹: ۱۵).
ترجمه: «وزن‌های شعری هم به منظور پاسداری از ضرب‌آهنگ‌های آن و نیز متمایز نمودن این وزن‌ها از دیگر اوزان و ضرب‌آهنگ‌های شعر یونانی، فارسی و هندی، وضع گردید» (ادونیس ۱۳۹۷: ۲۲).
کلمه سریانی در ترجمه حذف شده است.

- **متن عربی:** «من الكتب الأولى التي تناولت النص القرآني، مقارنة بينه وبين النص الشعري الجاهلي، كتاب «مجاز القرآن» لأبي عبيدة (توفي ۲۰۹ هـ)» (ادونیس ۱۹۸۹: ۳۶).

ترجمه: «از جمله نخستین کتاب‌هایی که به متن قرآنی پرداخته و آن را با متن شعری مقایسه کرده، کتاب مجاز القرآن اثر ابو عبیده (متوفای ۲۰۹ هـ) است» (ادونیس ۱۳۹۷: ۴۲).
کلمه «جاهلی» حذف شده است.

- **متن عربی:** «لا يشبه في أي شيء كلام العرب فهو خروج كامل عن كلامهم الفني بأنواعه كلها» (ادونیس ۱۹۸۹: ۳۹).

ترجمه: «به هیچ روی با سخن عرب همانند و همسان نیست، بنابراین نظم قرآنی به‌مثابه خروج کامل از سخن عرب - در انواع مختلف آن - است» (ادونیس ۱۳۹۷: ۴۴)؛
سخن هنری ایشان.

- **متن عربی:** «نعطيهِ في بعض موضع المتعلم، المقتدى الذي يحسن التشبه بمن أخذ عنه، علما أن التقليد تقيصة» (ادونیس ۱۹۸۹: ۲۹).

ترجمه: «برای برخی دیگر هم جایگاه متعلم و دنباله‌رو را در نظر می‌گیریم؛ زیرا توانسته خود را به نیکی به شکل مقلد خویش درآورد» چنان که در این عبارت ملاحظه می‌شود ترجمه بخش پایانی سخن جرجانی حذف گشته است. ترجمه بخش حذف شده: «باید دانست که تقلید عیب است».

۳.۵ مترادفات و افزوده‌های تفسیری

افزوده‌های تفسیری و مترادفات در ترجمه بوطیقای عربی در مقایسه با افتادگی ترجمه‌ای بسیار ناچیز و اندک بوده و اغلب در راستای وضوح و رسایی متن به کار رفته است؛ اما در برخی از نمونه‌ها، نیازی به حضور این مترادفات یا افزوده‌ها به نظر نمی‌رسد؛ برای مثال:

ارزیابی برگردان کتاب *الشعرية العربية* با رویکرد نقد مقابله‌ای ترجمه (علی اصغر شهبازی) ۲۰۷

- متن عربی: «ومن السكر الذي يحرر الجسد من رقابة المنطق والتقاليد، رمزاً للتحرر الشامل» (ادونیس ۱۹۸۹: ۶۲).

ترجمه: «ابو نواس به دلیلی، مجون و دریدگی را به عنوان نقابی برای مخفی شدن در پس آن بر می‌گزیند و مستی و شرب خمر را که جسم را از سانسور منطق و تقالید می‌رهاند» (ادونیس ۱۳۹۷: ۶۵).

- متن عربی: «وفی هذا ما یوضح کیف أن عبارتی «الإحداث» و «المحدث»، اللتین وصف بهما الشعر الذي خرج على الأصول القديمة، تجینان من المعجم الدینی» (ادونیس ۱۹۸۹: ۸۰).

ترجمه: «از این مطلب روشن می‌شود که چگونه واژه‌های «نوگرایی» و «نوگرا» که به وسیله آن‌ها شعر خارج شده از اصول قدیمی، به آنها توصیف می‌شود از فرهنگ دینی به فرهنگ ادبی وارد شده است» (ادونیس ۱۳۹۷: ۸۲).

۴.۵ ترجمه بوطیقای عربی در سطح ساختاری

۱.۴.۵ عدم تعدیل در ساختارهای نحوی

بی‌گمان در فضای ترجمه تغییرها و تعدیل‌های گوناگونی به اقتضای تفاوت دستگاه ساختاری دو زبان صورت می‌پذیرد و جایگاه کنش‌گران جمله را تغییر می‌دهد؛ دگرگونی‌هایی چون تبدیل ساختارهای فعلی به اسم و بالعکس، تغییر عناصر قیدی، تبدیل فعل‌های معلوم به مجهول و بالعکس، و مانند آن، همگی در زمره این فرآیند جای دارد که متناسب با شبکه روابط دستور زبانی روی داده و در خدمت روانی و رسایی متن قرار می‌گیرد. در ترجمه کتاب *الشعرية*، سهوهایی ملاحظه می‌شود که گاه به دلیل پایبندی به ساختار نحوی و گاه به دلیل تعدیل، جمله‌هایی نه چندان رسا پدید آمده است که نمونه‌ی ذیل از جمله آن است:

- متن عربی: «لا يتضمن هذا المبدأ القول بضرورة الابتعاد عن محاكاة الشعر الجاهلي وحسب، وإنما يتضمن كذلك القول بضرورة اكتشاف آفاق غير معهودة في طرق التعبير والغوص في أعماق النفس، ومقاربة الأشياء والعالم. وهذا مما ساعد على إرساء مصطلحات نقدية تؤكد كلها على التفرد والابتداء» (ادونیس ۱۹۸۹: ۵۳).

ترجمه: «اصل یادشده متضمن این سخن نیست که شاعر باید از تقلید شعر جاهلی دست بکشد بلکه باید افق‌های ناشناخته شیوه بیان، کنکاش در اعماق خویشتن و رهیافت به اشیاء و جهان را نیز کشف کند. این موضوع موجب تثبیت آن دسته از اصطلاحات نقدی شده که همگی بر ویژه شدن و آغازیدن، تأکید دارند» (ادونیس ۱۳۹۷: ۵۶).

چنان که در ترجمه بالا ملاحظه می‌شود ساختار «نفی» همراه با قید استثنای «حسب» در ترجمه عبارت ملاحظه نشده و جمله به همان شکل منفی و بدون تعدیل ساختاری انتقال یافته است. همچنان که حذف بدون قرینه فعل نیز در جمله پایانی از رسایی ترجمه کاسته است. ترجمه پیشنهادی جمله بالا اینگونه است: این اصل نه تنها بر ضرورت پرهیز از پیروی از شعر جاهلی تأکید می‌کند؛ بلکه نشان می‌دهد کشف افق‌های ناشناخته در شیوه‌های بیان، و ژرف‌کاوی در جان آدمی، و رهیافت به اشیاء و جهان، تا چه میزان ضروری است. این موضوع به تثبیت اصطلاحات نقدی انجامید که همگی بر فردیت و آغازگری تأکید دارند.

۲.۴.۵ کم توجهی به ساختارهای نحوی

در مقابل مسأله یادشده در بخش پیشین، گاه کم توجهی به ساختار دستوری جمله، برگردان عبارات را با سهوهای همراه ساخته است. برای نمونه لغزش‌هایی در ذکر جایگاه مناسب صفت و مضاف‌الیه، روی داده که مثال‌های زیر از آن جمله است:

- متن عربی: «إن بنية الفكر العربي السائد، بمنحيه «القديم» و «الحديث» يتناقض جذرياً مع الحداثة» (ادونیس ۱۹۸۹: ۹۲).

ترجمه: «ساختار رایج تفکر عربی، با دو گرایش «قدیم» و «جدید» خود، از اساس با مدرنیسم در تناقض است» (ادونیس ۱۳۹۷: ۹۲). در این ترجمه «رایج» به عنوان صفت کلمه «ساختار» در نظر گرفته شده که نادرست است. ترجمه صحیح: «ساختار تفکر رایج عربی».

- متن عربی: «مرآة تعكس مشهد الحياة اليومية» (ادونیس ۱۹۸۹: ۹۳).

ترجمه: «یا آینه‌ای از انعکاس تصویر روزانه زندگی» (ادونیس ۱۳۹۷: ۹۳). در این عبارت نیز کلمه «اليومية» صفت «الحياة» است؛ بنابراین ترجمه صحیح: «تصویر زندگی روزانه» می‌باشد.

- متن عربی: «نوع من الوعد الواثق بمجىء ثقافة لا قمع فيها، ولا قيد، ثقافة تخرج على قيم الأمر والنهى» (ادونیس ۱۹۸۹: ۶۲).

ترجمه: «وعده‌ای اطمینان‌بخش برای برآمدن فرهنگی که سرکوب‌گری می‌کند؛ فرهنگی که از ارزش‌های آمرانه و ناهیانه تهی شده» (ادونیس ۱۳۹۷: ۶۴).

چنان که در ترجمه مذکور ملاحظه می‌شود مترجمان برخلاف نظر نویسنده معنای «نفی» موجود در ساختار جمله را نادیده انگاشته و مقصود جمله را به شکل مثبت منتقل ساخته‌اند که برخلاف متن مبدأ است.

ترجمه پیشنهادی: «وعده‌ای اطمینان‌بخش بر ظهور فرهنگی بی‌قید و بند...».

- متن عربی: «لا يفهمها حق الفهم إلا من له ذهن ونظر يرتفعان به عن طبقة العامة» (ادونیس ۱۹۸۹: ۴۹)،

ترجمه: «این تصاویر را تنها کسی درک می‌کند که تفکر و دید وی از سطح «فهم عامه» فراتر باشد» (ادونیس ۱۳۹۷: ۵۲). چنان که ملاحظه می‌شود در برگردان این عبارت به ساختار مفعول مطلق دقت نشده است.

ترجمه پیشنهادی: «به نیکی در می‌یابد».

۶. نتیجه‌گیری

با نگاهی به ترجمه فارسی کتاب *الشعرية العربية* ادونیس و تحلیل و نقد تقابلی متن عربی و فارسی در دو بخش واژگانی و ساختاری، به نتایج ذیل دست یافته شد:

۱. بررسی این اثر در بُعد شکلی بیانگر آن است که با وجود ویژگی‌های مثبتی چون صفحه‌آرایی مناسب، افزودن پاورقی‌های توضیحی، تنظیم کتاب‌نامه و نمایه، اعراب‌گذاری دقیق ابیات و نام‌ها و کتب عربی در متن، همچنان خطاهای متعددی از نظر نگارشی و چاپی در متن ملاحظه می‌شود که در متن مقاله و در قالب جدول به عمده این موارد اشاره گردید و امید است در چاپ‌های بعدی این ترجمه، مورد عنایت مترجمان گرامی واقع گردد.

۲. ارزیابی شکلی متن عربی و فارسی نشان از التزام مترجمان در مراعات بخش ظاهری کتاب را دارد. بخش‌های فصول همچون متن اصلی با شماره‌گذاری جدا شده و برگردان پارگراف‌ها و عبارات، نظم و نسق متن عربی را نشان می‌دهد.

۳. در بخش محتوایی، رعایت ساختارهای فارسی و تقدیم و تأخیر واژه‌ها بر اساس جمله‌بندی فارسی، از امتیازات این ترجمه به شمار می‌رود؛ اما عدم اهتمام لازم بر یکسان‌سازی معادل‌ها و اصطلاحات ادبی، نقص اصلی ترجمه مورد بررسی است. ذکر معادل‌های متنوع بر اصطلاحات کلیدی و پر تکرار متن، فهم عبارات را بر خواننده فارسی دیرپاب ساخته و در برخی موارد موجب اختلال ترجمه گشته است.

۴. کم‌توجهی به اصل امانتداری هم در بخشی از ترجمه در قالب حذف کلمه و جمله ملاحظه می‌شود. از جمله آن، برگردان یک پاراگراف (در حدود سیزده سطر) از صفحه ۱۰۰ متن اصلی، از قلم افتاده است که حکایت از کم‌دقتی مترجمان محترم دارد و لازم است در چاپ بعدی کتاب مورد توجه قرار گرفته و اصلاح شود.

۵. از نظر واژه‌گزینی و معادل‌یابی کلمات اصل همنشینی واژه‌ها، در برخی از جملات مغفول واقع شده است؛ به همین دلیل معادل‌هایی ناآشنا و نامأنوس در نثر ترجمه ملاحظه می‌شود که از روانی متن می‌کاهد.

کتاب‌نامه

ادونیس، احمد علی سعید (۱۹۸۹)، *الشعرية العربية، بیروت: دار الآداب*.
ادونیس، احمد علی سعید (۱۳۹۷)، *بوطیقای عربی، ترجمه حسین ابویسانی و امید پورحسن، تهران: امیرکبیر*.

بشار بن برد (۱۹۸۱)، *دیوان شعر بشاربن برد، تحقیق: بدرالدین العلوی، بیروت: دارالثقافه*.
بوهور، حبيب (۲۰۰۷)، «الخطاب الشعري و الموقف النقدي فی كتابات الشعراء العرب المعاصرين أدونیس و نزار قبانی نموذجاً»، *أطروحة الدكتوراه فی الأدب العربي الحديث، جامعة منتوری - قسنطينة*.
بیتس، ماریسا جی (۱۳۸۷)، «مقدمه‌ای بر فرآیندها، نظریه‌ها و الگوها»، ترجمه غلام حیدری، *مجله کتابداری و اطلاع‌رسانی، شماره ۴، دوره ۱۱*.
پلامبو، گیزپه (۱۳۹۰)، *اصطلاحات کلیدی در ترجمه، ترجمه فرزانه فرحزاد و عبدالله کریم‌زاده، تهران: قطره*.

خزاعی فرید، علی، (۱۳۹۳)، «نقد ترجمه در ایران: روش‌ها و آسیب‌ها»، *نامه فرهنگستان، ش ۵۵*.
خیر، هانی (۲۰۱۰)، *ادونیس شاعر الدهشة وكتابة الكلمة دمشق: دار رسلان للطباعة والنشر والتوزيع*.
رمضانی، ربابه (۱۳۹۶)، «واژگان تحول‌یافته عربی در فارسی و چالش فراروی مترجمان»، *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، سال هفتم، شماره شانزدهم*.
ژیل، دانیل (۱۳۹۴)، *درک و آموزش ترجمه، ترجمه فاطمه میرزا ابراهیم تهرانی، تهران: قطره*.

ارزیابی برگردان کتاب الشعرية العربية با رویکرد نقد مقابله‌ای ترجمه (علی اصغر شهبازی) ۲۱۱

- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۷)، شعر معاصر عرب، تهران: سخن.
- لطفی‌پور ساعدی، کاظم (۱۳۷۱)، درآمدی به اصول و روش ترجمه، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- المعجم الوسيط (۱۴۲۵)، مجمع اللغة العربية، قاهره: مكتبة الشروق الدولية.
- معین، محمد (۱۳۸۶)، فرهنگ معین، تهران: انتشارات ادنا.
- مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۸۳)، دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مه‌ران مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.
- ناظمیان، رضا (۱۳۸۱)، روش‌هایی برای ترجمه از عربی به فارسی، تهران: سمت.
- ناظمیان، رضا (۱۳۹۱)، فن ترجمه از عربی به فارسی، تهران: سمت.
- نصیری، حافظ (۱۳۹۰)، روش ارزیابی و سنجش کیفی متون ترجمه‌شده از عربی به فارسی، تهران: سمت.
- یسوعی، کامیل و الأب روبرت ب (۱۹۹۶)، أعلام الأدب العربي المعاصر: سیر و سیر ذاتیه، بیروت: الشركة المتحدة للتوزيع.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی